

خاطرات سیاسی

محمد ساعد مراغه‌ای

بکوشش
دکتر باقر عاقلی



فهرست مطالب

- مقدمه ۵
- فصل اول: خاطراتی از مأموریت به قفقاز ۳۷
- جنگ روسیه و ژاپن، ۳۷؛ فروش دشت مغان به یک افسر روسی، ۴۲؛ سقوط بادکوبه و اشغال آن توسط سربازان عثمانی، ۴۷؛ استعفای امپراطور و آغاز انقلاب، ۵۴
- فصل دوم: از مستشاری سفارت ایران در ترکیه تا سفیرکبیری مسکو ۶۵
- والی آذربایجان، ۶۷؛ مدیرکل وزارت امور خارجه، ۶۸؛ وزیرمختار و شارژ دافر شوروی - سفیرکبیر، ۶۸؛ خاطراتی از وزیرمختاری در ایتالیا، ۶۹
- فصل سوم: جنگ جهانی دوم ۷۳
- وضع سیاسی اروپا، ۷۳؛ علت حمله آلمان به شوروی، ۸۷؛ اعلامیه هیتلر، ۸۸؛ قرائت پیام استالین به وسیله مولوتف، ۹۳؛ احضار سفیر شوروی به وزارت امور خارجه آلمان، ۹۵؛ رژه نظامی در میدان سرخ، ۹۵؛ استالین به نخست‌وزیری انتخاب شد، ۹۶؛ چرچیل چه می‌گفت؟، ۹۷؛ سفیرکبیر انگلیس در مسکو چه می‌گفت؟، ۹۹؛ اشتباه بزرگ هیتلر، ۱۰۲؛ اولین عکس‌العمل امریکا، ۱۰۲؛ ارتش ویلهلم دوم، ۱۰۳؛ می‌خواست تاریخ تکرار شود، ۱۰۳؛ دستور استالین در مورد طریقه عقب‌نشینی، ۱۰۵؛ روحیه سربازان آلمانی، ۱۰۶
- فصل چهارم: حمله نیروهای شوروی و انگلیس به ایران ۱۰۷
- جوگاشویلی اولین نام استالین، ۱۰۸؛ استالین به ریاست دولت منصوب شد، ۱۰۹؛ پیشنهاد برای جلوگیری از رفع خطر، ۱۰۹؛ توجیه سیاست بی‌طرفی ایران برای مولوتف، ۱۰۹؛ مذاکره با مولوتف و دکانازوف، ۱۱۰؛ احضار به کاخ کرم‌لین در نیمه‌های شب، ۱۱۱؛ تذکاریه دولت شوروی، ۱۱۲؛ پاسخ به مولوتف، ۱۱۷؛ گزارش به تهران، ۱۱۷؛ جواب تذکاریه شوروی، ۱۲۰؛ تغییر کابینه در ایران، ۱۲۲؛ دستور سهیلی به مذاکره و پاسخ آن، ۱۲۲؛ قطع بمباران، ۱۲۴؛ پیمان اتحاد بین

دولت ایران و دولتین شوروی و انگلیس، ۱۲۵؛ احضار برای تصدی پست وزارت امور خارجه، ۱۳۶؛ سفیرکبیر غرض‌آلود، ۱۳۷؛ اولین ملاقات با قوام‌السلطنه، ۱۳۹؛ مخارج ریالی قوای خارجی مقیم ایران، ۱۳۹؛ تشکیل جلسه در کاخ ابیض، ۱۴۰؛ اعلان جنگ ایران به دولت آلمان، ۱۴۱؛ کنفرانس تهران، ۱۴۲؛ اعلامیه سه دولت راجع به ایران، ۱۵۰

فصل پنجم: نخست‌وزیری من

۱۵۳

انتخابات دوره چهاردهم، ۱۵۳؛ داستان نخست‌وزیری اول من، ۱۵۹؛ کابینه دوم و مخالفت دکتر مصدق با آن، ۱۶۱؛ نطق دکتر مصدق وکیل اول تهران در مخالفت با کابینه دوم ساعد، ۱۶۳؛ پاسخ ساعد به دکتر مصدق، ۱۷۹؛ کافتارادزه در ایران، ۱۸۰؛ مذاکره با کافتارادزه درباره نفت و گزارش به مجلس، ۱۸۲؛ کنفرانس مطبوعاتی کافتارادزه در سفارت شوروی، ۱۸۵؛ نطق دکتر مصدق در پاسخ کافتارادزه، ۱۸۹؛ دلایل مخالفت، از نظر اقتصادی، ۲۰۳؛ خاطرات تلخی از دکتر میلسپو، ۲۱۰؛ بحران اقتصادی، ۲۲۰؛ استیضاح کابینه، ۲۳۰؛ دستگیری آیت‌الله کاشانی، ۲۳۱؛ حزب توده، کناره‌گیری و جانسپین من، ۲۳۲؛ قانون کار، ۲۳۲

فصل ششم: در فاصله دو مجلس

۲۳۷

نماینده مجلس در دوره پانزدهم - برکناری قوام - مصدق یا حکیمی، ۲۳۷؛ دولت هژیر، ۲۴۰

فصل هفتم: نخست‌وزیری دوم ساعد

۲۴۱

ظهور و سقوط کابینه هژیر، ۲۴۱؛ نخست‌وزیری دوم ساعد، ۲۴۲؛ معرفی وزیران و برنامه دولت، ۲۴۳؛ انتقاد شدید مهندس رضوی از وضع عمومی کشور، ۲۴۴؛ استیضاح از دولت ساعد، ۲۴۶؛ پاداش مهندس رضوی، ۲۴۶؛ نامه دکتر مصدق در مورد نفت، ۲۵۳؛ واقعه دانشگاه، ۲۵۴؛ شاه اختیارات می‌خواهد، ۲۵۶؛ تشکیل مجلس مؤسسان، ۲۵۸؛ استیضاح مکی، بقائی و حائری‌زاده از دولت ساعد، ۲۶۴؛ دولت ساعد و قرارداد الحاقی نفت، ۲۹۰؛ انتخابات مجلس، ۲۹۵؛ دوره شانزدهم، ۲۹۶؛ استعفا از نخست‌وزیری و پایان کار، ۳۰۰

تصاویر
فهرست اعلام

۳۰۳

۳۱۳

مقدمه

کتابی که از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد مربوط به یکی از رجال معروف معاصر است که قسمتی از خاطرات اجتماعی و سیاسی و سوانح زندگانی او را دربر می‌گیرد. محمد ساعد مراغه‌ای مجموعاً ۷۰ سال مصدر خدمات دولتی در ایران بود و همکاری خود را در دستگاه دولتی با منشیگری فنسولگری استانبول آغاز کرد و سرانجام در سن ۹۳ سالگی در حالیکه سناتور انتصابی بود درگذشت. در میان ۷۰ سال خدمات دولتی ساعد، ده سال آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آن از ابتدای ۱۳۱۸ شمسی آغاز می‌گردد و در اسفندماه ۱۳۲۸ پایان می‌پذیرد.

فعالیت ساعد و بازیگرهای او در سیاست از شروع جنگ بین‌المللی دوم آغاز می‌گردد که وی در آن ایام سفیرکبیر ایران در شوروی بود. ساعد در ابتدای سال ۱۳۲۱ به وزارت امور خارجه ایران تعیین شد و این سمت را در مدت دو سال در سه کابینه متوالی عهده‌دار بود و سرانجام در فروردین ۱۳۲۳ از طرف نمایندگان دوره چهاردهم به نخست‌وزیری برگزیده شد و قریب ۸ ماه در آن ایام پرتلاطم و تیره و تاریک کار کرد. پس از نخست‌وزیری چندی بیکار بود تا به نمایندگی دوره پانزدهم مجلس انتخاب گردید. در آبان ماه ۱۳۲۷ پس از سقوط کابینه زودگذر عبدالحسین هژیر برای بار دوم از طرف نمایندگان دوره پانزدهم به نخست‌وزیری انتخاب گردید و این بار یکسال و چهار ماه در رأس دولت قرار داشت و در این مدت حوادث و وقایع مهمی در این کشور اتفاق افتاد که بد و خوب آن به حساب او ثبت شده است.

ساعد بعد از نخست‌وزیری دوم خود چند بار به سفارت کبری رفت و پس از آن در

ویرین سیاسی مجلس سنا به عنوان سناتور انتصابی جای گرفت.

قبل از همه چیز لازم است به طور اختصار شناختی از سابقه او بدست بیاوریم و یا به عبارت بهتر بیوگرافی او را زیر ذره بین قرار دهیم.

محمد ساعد مراغه‌ای در ۱۲۹۸ قمری برابر با ۱۲۶۰ شمسی در تفلیس متولد شد.^۱ پدرش مرحوم احمد قاضی زاده در بخش خصوصی فعالیت داشت و بیشتر به کارهای ساختمانی می پرداخت و گاهی نیز داد و ستدهای کوچکی را انجام می داد گویا شغل جوانی او بنایی بوده است.

محمد از پنج سالگی تحصیلات خود را در مدرسه ایرانیان در باکو آغاز کرد و دوره شش ساله مدرسه را طی نمود و کتابت و خواندن زبان فارسی را فراگرفت و سپس وارد مدرسه متوسطه شد و شوق زیادی به علوم ریاضیات و شیمی نشان داد و از همان اوان تصمیم به تحصیل در رشته پزشکی گرفت. هنگام تحصیل در دوره متوسطه زبان روسی را نیز بخوبی آموخت. در سن ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیلات عالی خود به پترزبورگ رفت. در آن هنگام وزیرمختار ایران در روسیه میرزا رضاخان ارفع الدوله بود که سالیان دراز سرکنسولگری ایران را در بادکوبه بعهدہ داشت و خانواده ساعد را به خوبی می شناخت. ارفع الدوله مجدداً او را به یکی از مدارس متوسطه فرستاد تا مقدمات پزشکی را به خوبی فراگیرد ضمناً محمد را برای معلمی زبان فارسی دو فرزندش (حسن و ابراهیم که بعدها به ترتیب به درجه سرلشگری و سرتیپی در ارتش ایران ارتقاء مقام یافتند) برگزید. مدت توقف محمد در پترزبورگ سه سال بطول انجامید. در چند جا نوشته شده است که محمد ساعد خانه شاگرد ارفع الدوله بوده است ولی این نظریه صحیح نبوده بلکه همان معلمی فرزندان ارفع الدوله بعهدہ او بوده است.

ساعد چون محیط روسیه را با افکار و عقاید خود منطبق ندید پس از کسب اجازه از پدرش راه اروپا را برای ادامه تحصیلات پیش گرفت. انگیزه اصلی این تصمیم تغییر مأموریت پرنس ارفع الدوله بود که از وزیرمختاری روسیه به سفارت کبرای ایران در استانبول تغییر مأموریت یافته بود. ساعد در ۱۳۱۹ ق وارد اروپا شد و کشور سوئیس را برای ادامه تحصیل مناسب دید ولی یکباره از تحصیل پزشکی اعراض نمود و در مدرسه حقوق و علوم سیاسی ثبت نام کرد و در مدت سه سالی که در اروپا اقامت

۱. در مورد محل تولد ساعد مرحوم دکتر مهدی مجتهدی در کتاب رجال آذربایجان و خانم زهرا شجیعی در کتاب بیست و یکدوره نمایندگان مجلس دهکده بهروا از قراء مراغه را ذکر کرده‌اند در حالیکه ساعد در تعرفه خدمتی خود در وزارت امور خارجه محل تولد خود را تفلیس نوشته است.

داشت زبانهای فرانسه و آلمانی را فراگرفت. درباره این نکته که ساعد در سوئیس دانشنامه علمی دریافت نکرده است تردید وجود ندارد زیرا در پرونده استخدامی او در وزارت امور خارجه مدرکی که دال بر تحصیلات عالی در رشته علوم سیاسی باشد هرگز دیده نشده است. در سال ۱۳۸۲ ش ساعد به ایران بازگشت و چون وزارت امور خارجه برای استخدام او روی خوش نشان نداد ناگزیر به استانبول رفته خود را به ارفع الدوله سفیر ایران معرفی کرد و با شناختی که ارفع الدوله از او داشت فوراً او را به سمت منشیگری جنرال قنصلگری استانبول استخدام کرد و اتاقی نیز در محل سفارت برای او در نظر گرفت. او در آن زمان به زبانهای ترکی استانبولی، روسی، آلمانی و فرانسه آشنایی کامل داشت. مدت مأموریت او در استانبول دو سال به طول انجامید، پس از آن با همان سمت به باطوم انتقال یافت و مدت پنج سال در سمت منشیگری قنصلگری باطوم بود. در ۱۳۲۹ ق به او ارتقاء مقام دادند و نایب اول ژنرال قنصلگری تفلیس شد و یک قطعه نشان درجه چهارم شیر و خورشید نیز به او داده شد. چندی هم کارگزاری شهر اردبیل به او واگذار گردید ولی به زودی آنرا رها نموده به قفقازیه بازگشت. این بار کفیل قنصلگری بادکوبه شد و بعد از یکسال مقام قنصلی یافت و این سمت را سالها عهده دار بود. ساعد در این سمت برخلاف سایر قنصلها که از راه فروش گذرنامه ثروتی می اندوختند پاکدامنی خاصی از خود بروز داد و بیشتر توجه او در آن ایام بحرانی که روسیه در آستانه انقلاب قرار گرفته بود کمک و مساعدت به ایرانیان مقیم قفقازیه بود.

ساعد خاطرات خود را در آن ایام به تفصیل نوشته است که در همین کتاب درج شده است. علاوه بر خاطرات آن ایام، علل و جهات انقلاب کبیر روسیه را نیز تشریح کرده و اقدامات خود را نیز نوشته است.

مهدی مجتهدی نویسنده کتاب رجال آذربایجان درباره اقدامات ساعد در بادکوبه چنین نوشته است:

«ساعد از بدو جوانی داخل خدمت در قنصلگریهای قفقاز شد تا بالاخره به مقام ژنرال قنصلگری باکو ارتقاء یافت. در جنگهای بین ارمنه و مسلمانان که در قفقاز اتفاق افتاد حمایت اتباع ایران را اعم از مسلمان و ارمنی به عهده گرفت، در این راه فداکاریها کرد. غالباً در مواقعی که آتش نزاعهای خونین در کوچه‌ها روشن بود بیرق ایران را به دوش می گرفت بدون اینکه از تیر و تفنگ بهراسد، در کوچه و کنار خیابانها، کاروانسراها، مساجد و کلیساها سراغ اتباع ایران می رفت و جان آنان را

نجات می‌داد. گاهی به نجات اتباع ایران اکتفا نمی‌کرد، از راه بشردوستی جان بیگناهان دیگر غیرایرانی را حفظ می‌نمود. در ایام انقلاب بلشویکی ایرانیان مقیم قفقاز و روسیه که عمری زحمت کشیده و ثروتی اندوخته بودند جواهرات و اشیاء قیمتی خود را به ساعد سپردند که وی آنها را به ایران فرستد و آنجا به خود یا نمایندگان صاحبان جواهر مسترد نماید. او این خدمت را در باره هموطنان قبول کرد، متجاوز از چند صد هزار تومان جواهر را بدون اینکه اجری بخواهد به ایران فرستاد و سپس خود به ایران آمد امانتها را به صاحبانشان مسترد داشت و دیناری در آنهمه امانت خیانت نکرد. این امانت اسباب تعجب گردید. عده‌ای از ارباب نفوذ به تصور اینکه ساعد قسمتی از امانات را رد نکرده به طمع استفاده با او گرم گرفتند اما به زودی دریافتند که ساعد از مال دنیا چیزی ندارد این بود که پی کار خود رفتند...^۱

ساعد در بادکوبه چندی عضو کمیسیون سرحدی بود و مدتی هم در دوران انقلاب نماینده سیاسی ایران در قفقازیه شد. در حکومت وثوق‌الدوله هیأتی از ایران برای بررسی انقلاب به ریاست سید ضیاء‌الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد به قفقاز سفر کرد تا اوضاع را از نزدیک بررسی نموده به وزارت امور خارجه اطلاع دهد تا خط‌مشی آتیه ایران در مورد کشور همسایه روشن باشد. سید ضیاء با راهنماییها و همکاری صمیمانه ساعد توانست گام‌هایی بردارد که یکی از آنها تلگراف رجال ایران به مجلس دومای روسیه بود. ساعد پس از هجده سال خدمت در قفقازیه چند نشان و القاب (ساعدالوزاره - ساعدالسلطنه) گرفت و نام خانوادگی خود را نیز قاضی‌زاده برگزید.

محمد قاضی‌زاده در سال ۱۳۰۳ با سمت مستشار سفارت به آنکارا پایتخت جدید ترکیه مأموریت یافت و در مرحله اول مشکل بزرگی از نظر نام خانوادگی پیدا کرد. مصطفی کمال آتاتورک رهبر جدید ترکیه در آن کشور به نام «غازی» خوانده می‌شد و مستشار سفارت ایران نیز نام «قاضی» داشت از اینرو برای احترام به مقام پیشوای ترکیه مستشار سفارت ایران در آن کشور نام خانوادگی خود را از قاضی به ساعد تغییر داد. این تصمیم فوق‌العاده مورد امتنان و تشکر دولت ترکیه گردید و کتباً این اقدام او را ستودند.

۱. مهدی مجتهدی، رجال آذربایجان، تهران چاپ اول ۱۳۲۶، صفحه ۸۲.

ساعد در زمان سفارت سید محمد صادق طباطبائی عملاً تمام کارهای سفارتخانه را انجام می‌داد و سفیر تحقیقاً یک مقام تشریفاتی بود و بیشتر وقت او صرف معاشرت و رفت و آمدهای سیاسی می‌گردید. پس از تغییر سید محمد صادق و دعوت وی به تهران برای ریاست شعبه دیوانعالی کشور که مورد قبولش واقع نشد محمدعلی فروغی ذکاءالملک، رئیس‌الوزرای سابق جانشین طباطبائی شد و وظیفه وی حل مشکلات سرحدی ایران با آن کشور بود که سالیان دراز مورد بحث و گفتگو و قهر و آشتی بود. شخصیت فروغی در ترکیه موجب شد که این مشکلات البته بیشتر به نفع ترکیه فیصله یابد و ساعد در این زمان تلاش دامنه‌داری مبذول داشت و فروغی هم به او قول داد که در اولین فرصت زحماتش جبران خواهد شد.

در ۱۳۰۹ ش ذکاءالملک فروغی سفیرکبیر ایران در ترکیه و حسن تقی‌زاده وزیرمختار ایران در لندن به تهران احضار شدند. فروغی در راس وزارت اقتصاد ملی قرار گرفت و تقی‌زاده وزیر طرق و شوارع گردید. پس از مدت کوتاهی فروغی به وزارت امور خارجه و تقی‌زاده به وزارت مالیه تعیین گردیدند. این تصمیم رضاشاه مبنی بر تقویت کابینه برای بی‌نیاز ساختن خود از وجود تیمورتاش وزیر دربار بود. این دو نفر از افرادی نبودند که دستورات وزیر دربار را در حیطة نظارت خود اجرا نمایند. علاوه بر قدرت کاری و تفکر، ارتباط نسبتاً نزدیکی با رضاشاه داشتند.

فروغی در اولین فرصت، ساعد مستشار سفارت ایران در ترکیه را به تهران احضار کرد. وقتی ساعد به تهران رسید و در وزارت امور خارجه به دیدن فروغی رفت فهمید که او را می‌خواهند از وزارت امور خارجه به وزارت داخله منتقل نمایند. فروغی به او گفته بود از امروز سرکار شما با وزیر داخله است، آقای منصورالملک را ملاقات نمائید تا روز معرفی شما را به شاه تعیین کنند گویا شما در یکی از شهرهای بزرگ ایران حاکم خواهید شد. اصرار ساعد در ابقاء در وزارت خارجه به جایی نرسید تنها فروغی یک جواب کوتاه داد و گفت: «به عرض رسیده است مورد تصویب قرار گرفته و راه عدول ندارد». ساعد با گردن کج به وزارت داخله رفت و پس از ملاقات با وزیر دانست که در سمت حکمرانی ارومیه قرار خواهد گرفت. روز معرفی، شاه دستورات اکیدی برای عمران و آبادی ارومیه داد و تاکید کرد با فرمانده قشون همکاری نزدیکی باید داشته باشید. ساعد همانروز فرمان حکومت را دریافت نمود و به سمت مأموریت حرکت نمود، قریب دو سال خان حاکم بود ولی سعی کرد که به وزارت امور خارجه برگردد. در ۱۳۱۲ فروغی وزیر خارجه او را مجدداً به وزارت خارجه منتقل کرد و ریاست اداره